

مطالعه

معارف کجایی

دیانت بهائی منشاء الهی دارد

جزوه شانزدهم

نوشته: دکتر ماشاءالله
مشرف زاده

مؤسسه ملی مطبوعات اری
۱۳۳ هجری

قابل توجه

در شماره اول جزوه (مطالعه * مطروف بهائی) از یاران
و نویسندگان و صاحبان قلم دعوت و تقاضا شده بود که
هیئت تحریر به رامهون فضائل و کمالات خود داشته و در مجانی
عقاید بهائی تعالیم و احکام - تاریخ و ادب مباحث متنوع دیگر
مقالات و جزواتی برای استفاده دوستانه آنان حقیقتاً هر قوم به
این لجنه ارسال دارند " اینک از یکی از دوستان راستان
چند مقاله تحت عنوان (دیانت بهائی منشأ الهی دارد)
واصل که با عرض امتنان از نویسنده * محترم در ردیف جزوات -
(مطالعه * مطروف بهائی) به تکثیر و انتشار آنها مبادرت -
میشود .

لجنه ملی انتشارات و مطالعات

دوران ولایت امریهیت المعدل

اعظم الهی تازمان حـــــــــــــــــال

(دیانت بهائی منشالهی دارد)

خوانندگان عزیز و گرامی جزوه ای که ملاحظه میفرمائید جزوه چهارم از سلسله جزوات "دیانت بهائی منشأ الهی دارد" میباشد و چون مطالب این سلسله بیکدیگر مرتبط بوده و در هر جزوه از تکرار مطالب مورد بحث جزوه قبل خود داری شده است علیهذا محض اطلاع بر مجموعه مطالب و امان نظر و تحصیل نتیجه مطلوبه متنی است قبل از مطالعه این جزوه جزوات سابقه رایکار دیگر مورد مطالعه قرار دهند و از آن پس باین مطالب توجه فرمایند .

۱- حضرت شوقی ربانی ولی امر بهائی

طبق آمار دقیق ، دیانت بهائی در زمان حضرت باب و حضرت بهاء الله یعنی تا آخر عهد الهی فقط در ۱۵ مملکت استقرار یافت و جمعی در این ممالک به این دیانت معتقد شدند .

در مدت ۲۹ سال که حضرت عبدالیهاء رایت نصرت را بر
برافراشتند ۲۰ کشور دیگر نیز بر این تعداد افزوده شد
و به ۳۵ کشور بالغ شد که از جمله آنها انگلستان ، آمریکا
کانادا ، استرالیا ، جزایرها و اقیانوس ، ژاپون ، اطریش ، فرانسه
سوئیس ، ایتالیا بوده .

بنابینوشته مرحوم فاضل مازندرانی (۱) " از سال ۱۳۱۰ -
هجری قمری در ایالات متحده آمریکا شمالی نشر امریهائی
شروع گردید و عده ای مؤمن شدند و عرائض آنها به انگلیسی
بعکامیرسید و مرکز عهد جوابهای دقیق موافق ترجمه انگلیسی
همی فرستادند و از اینترو مرقومات انگلیسی و مترجم انگلیسی
بمیان آمد و بعد از این امریکائی نیز بعکام آمدند و ارتباط
و اختلاط بهائی شرقی و غربی پدید آمد و این خود موجب
بزرگی برای توسعه صوری و معنوی امریهائی گردید .

و مخصوصاً " پراز سفر تا رجحی حضرت عبدالیهاء به اروپا
و آمریکا و ایراد نطقها و خطابات متعدده در مجامع
گلوبیا ، کنیسه ها ، کلیسیاها و ملاقات بانفوس مهمه در
هر کدام از کشورها و انتشار نوایا و مقاصد روحانی آنحضرت
در جراند آنزمان و ترجمه آن بلغات مختلفه جهان باسانی

(۱) کتاب رهبران و رهروان جلد ۱ و صفحه ۴۵

ووضع احساس میشد که آثار امریهائی بعد از صدور آنحضرت
 بایستی علاوه بر فارسی و عربی به زبان انگلیسی نیز که در آن زمان
 کثیرالانتشارترین و شایع ترین زبان جهان بود تحریر و تشریح
 و توزیع شود. حضرت شوقی ربانی که بارادۀ حق قدیسی
 مقدر بود که ولی امریهائی در تبیین آیات بعد از صدور -
 حضرت عبدالبهاء باشند در دانشگاه آکسفورد به تحصیل
 و تکمیل زبان انگلیسی پرداخته تا مقدمات ظاهریهٔ صدور
 آثار مبارکه به این زبان و اشاعۀ تعالیم الهیه از این طریق
 در سراسر جهان فراهم آید.

بعلاوه در زمان حضرت عبدالبهاء عده ای از نفوس مقدسه
 آمریکائی و اروپائی قیام بتبلیغ و انتشار امریهائی نمودند
 و بعضی از آنها تترك جاه و مقام و موطن و دیار خود را فرمودند
 و تمام عمر را صرف خدمت بامرالله کردند و غالب این نفوس
 انگلیسی زبان و یا آشنا بزبان انگلیسی بودند مانند

لوئیزا مور (LOUISA A. MOOR) ملقب

به ام المبلغات غرب. ادوارد گتسینگ (EDWARD GETSINGER)

هاروارد ماگنات (HARWARD MAGNUTT) مستر داج

(Mr. DODGE) ایزابلا بریتینگ هام (I. BRITTINGHAM)

لیلیان کاپز (L. F. KAPPES) پال دیلی

(P. K. DEALY) چستر تاچر (CH. Y. TATCHER)

هلن گودال (H. S. GOODAL) میسز هرست

هلن گودال

میسز هرست (Mrs. F. HEARST) می بولل (MAY E. BOLLES)

پرسون (MISS. PEARSON) میس آپرسون

(MISS. APPERSON) میسز تون بورک (Mrs. THORN BURGH)

رابرت ترنر (ROBERT TURNER) لور بارنس (L. BARNEY)

مستر دریفوس (Mr. DREYFUS) میسز ماکسول

(Mrs. MAXWELL) دکتر جان اسلمنت (DR. J. ESSLEMONT)

میسز کهلر (Mrs. KEHLER) مارشا روت

(MARTHA ROOT) دورتی بکر (DOROTHY BAKER)

امیلیا کالینز (EMILIA. E. COLLINS)

هایدران (HYDE DUNN)

و تعارف زیادی دیگر که ارتباط با آنان و مخصوصاً حل مسائل روحانی و اداری برای آنان مستلزم این بود که ولی امرالله به زبان انگلیسی بر حسب ظاهر نیز محیط باشند و مقاصد عالیه امرالله ایجاب مینمود که بمنظور حسن انجام وظائف مقدسه ای که مقدر بود که بمعهدده ایشان واگذار شود بانگستان سفر نمایند و در همان کشور زبان انگلیسی را تکلم فرمایند .

ج - میدانیم که بعد از جنگ جهانی اول ابواب مکاتبه ولقا
مفتوح شده و شیفتگان مرکز میثاق مجدداً* از اطراف واکاف
به ارض اقدس شتافتند و شب و روز اوقات مبارک حضرت
عبدالبهاء به افاضات روحانیه و اظهار عنایت به زائرین و رسیدگی
به سایر امور مهمه امریه میگذشت و حضرت شوقی افندی نیز
در محضر مبارک بترجمه و تحریر و حلّ و فصل اموری که از طرف
آنحضرت بایشان ارجاع میشد مشغول بودند . حضرت ولی -
امرالله در توفیق مبارکه مورخه ۷ ژانویه ۱۹۱۸ خطاب بجناب
دکتر لطف الله حکیم میفرماید : (۱) این ایام غالباً از صبح
تا شب اوقات مبارک حضرت عبدالبهاء بنزول الواح میگذرد الواح
مهمه ای با افتخار احبای آمریکا و ایران و انگلستان و هندوستان
و روسیه و ژاپن و مصر نازل گردیده و در یادداشتهای
مبارک مورخه ۴ - ۹ اوت ۱۹۱۹ میفرمایند :

(۱) " نظر بر تراکم امور و وظائفی که این عهد برای حضرت
عبدالبهاء انجام میدهم و رسیدگی به امور متنوعه که از قبل همیکل
مبارک ارجاع میشود خصوصاً" تحریر و ترجمه و ارسال الواح مبارک
و عرائض بیشمار که از قارات اروپا و آمریکا بحضور مبارک میرسد
ناچار شده ام برای چندی از ادامه یادداشت های یومیه
. صرف نظر نمایم ."

هر ایضاً لاتحنی که بمحض مبارک رسیده و هنر چه زود تسیر
باید بشرف لحاظ مبارک فائز گردد بر روی هم آنباشته شده
سایر مکاتبات مبارک که بصورت جزوه ها و رسائل است بایست
سریعاً مورد تمقن و ترجمه و تحریر قرار گیرد از طرف دیگر سیل
تلغرافات از اقطار مختلفه کره ارض همه روزه متواصل است
و جرائد و راپورتها و قطعات روزنامه جات و کتب و رسائل لابنقطع
به حجم پست میافزاید

شدت مشاغل آنحضرت بطوری بود که باعث اختلال صحت
و سلامت وجود مبارک شد و بالاخره در نتیجه شدت ضعف و
بیماری بدستور حضرت عبدالمبها عازم اروپا گردیدند و در
مرکز بهداشتی نوئی

MAISON DE SANTE DE

NEUILLY بستری شده و به استراحت و معالجه

پرداختند و پس از بازیافتن صحت و سلامت عازم دانشگاه
آکسفورد جهت تکمیل زبان انگلیسی گردیدند . اصل تقاضا
نامه آنحضرت در آرشیو دانشگاه مزبور موجود است و در آن
بالصراحه ذکر فرموده اند * (۱) تنهها منظور من
از ورود بدانشگاه تکمیل زبان انگلیسی است تا در بیاناتین

(۱) کتاب بیاد محبوب صفحه ۱۰۱

زبان را فرا گرفته در تحریر و تقریر تبخّر حاصل نمایم و ترجمه از فارسی و عربی با انگلیسی را صحیح و فصیح انجام دهم قصد من آنست که دو سال هم خویش را در این امر مصروف نمایم و با کمک استاد و مرتبط شدن بمرکز علمی و ادبی مذهب و بهترین تلفظ زبان بمنظور خویش نائل گردم *

در دانشگاه آکسفورد نیز تماس ایشان فقط با استادانی مانند پروفسور مارگولینونست (P. MARGOLIONTH) محقق معروف در زبان عربی و مستشرق دانشگاه) و پروفسور رالی (PROF. RALEIGH) و پروفسور بیکر (BAKER) و پروفسور لیندسی (PROF. LINDSAY) بود و منظور مبارک صرفاً تکمیل زبان انگلیسی بمنظور صرف اوقات در خدمات امر بوده است چنانچه خود آنحضرت در نامه ای بمنوان آقای یوحنا داود در لندن نوشته اند " (۱) الحمد لله در نهایت صحت و امیدواری و سعی و اعتدال مشغول تحصیل لوازم و تهیه اسباب خدمات این امر در مستقبل ایام هستم امیدم چنانست که آنچه جوهر محاسن این بلاد و این جامعه است بزودی کسب نموده بسر منزل خود مراجعت نمایم و حقائق امریه را در قالبی جدید نهاده خدمتی به آستان مبارک نمایم * و میدانیم که ایشان پس از صعود حضرت عبدالبها در ۲۸ نوامبر ۱۹۲۱ - با احزان

و تأثرات شدیدة بلافاصله انگلستان را ترك گفته و حقیقا
مراجعت فرمودند .

خلاصه و نتیجه این تحصیل پرثمر این هفتہ آثار مبارکہ ایشان
به زبان انگلیسی است کہ اینک ناشر نفعات طیبہ الہیہ
در شرق و غرب عالم است و از جمله آنهاست : ترجمہ منتخباتی
از الواح جمال مبارک CLEANINGS ترجمہ تاریخ
نیپل زرنندی ، ترجمہ کتاب ایقان ، ترجمہ کلمات مکتوبہ
ترجمہ لوح ابن زئب و همچنین تدوین و تصنیف کتب متعددی
از قبیل نظم جهانی WORLD ORDER : ہدف نظم بدیع

THE GOAL OF A NEW WORLD ORDER

DISPENSATION OF BAHALLAH

ADVENT OF DIVINE JUSTICE

THE PROMISED DAY IS COME

GOD PASSES BY

دور بہا اللہ

ظہور عدل الہی

ظہر یوم المیعاد

قرن بدیع

و همچنین نزول توفیمات متعددی بزبان انگلیسی کہ مغرب
زمین را از لحاظ معارف امری بہ مرتبہ ای کہ با عہد سابق قابل
مقایسہ نیست ارتقا بخشید .

حضرت ولی امرالله نه تنها شخص شخص خود را جمعا و
روحا و ظاهراً و باطناً و کماً و کیفاً وقف امریهائی فرمودند
بلکه ازدواج ایشان نیز مبنی بر همین نثار و ایثار و مقصد وصول
به این هدف اعلیٰ یعنی تکوین و ترویج امریهی بود .

مادر حرم حضرت ولی عزیز امرالله (۱) (MRS. MAXWELL) جزو اولین دسته زائرین امریکائی ارض اقدس محسوب و در
ایام سجن حضرت عبدالبها یعنی ۱۷ فوریه ۱۸۹۹ -
در حیفاً مشرف شد و در آن موقع که هنوز ازدواج نکرده بود
به می بولز موسوم بود بهلا فاصله منجذب و منقلب گردیدند
و چون قبلاً نیز ساکن فرانسه بود تصمیم بمراجعت به پاریس
و تبلیغ امر حضرت بها^۱ الله گرفت و در اندک زمانی حدود
۲۵ نفر را تبلیغ کرد و خلاصه در تمام عمر خویش جز تبلیغ امر
بهای و خدمت بعثت^۲ سامیه^۳ ربانی فکر و ذکر دیگری
نداشت. در ۸ می ۱۹۰۸ در لندن با مهندس ویلیام -
ماکسول که از یک نامیل قدیمی اسکاتلندی و کانادائیسی
و مقیم مونتریا بود ازدواج نمود . در ۱۹۰۹ مجدداً
این زن و شوهر بحضور حضرت عبدالبها^۴ مشرف شده
و پس از برگشتن به مونترال منزل خود را مرکزی برای اجتماع
بهایان قرار داده و در ۱۹۱۲ که حضرت عبدالبها^۵ به

به کانادا تشریف بردند بمنزل ایشان وارد شدند
می ماکسول آنقدر مورد توجه و عنایت حضرت عبدالبهاء بود که
در باره او فرموده اند:
می ماکسول بهائی حقیقی است نفس جز در خدمت امر
بر نیارد و کلمه ای بر زبان نراند هر که با او ملاقات کند راحه -
ملکوت استشمام میکند صاحب با او روح افزا و جانپور است
هنگامیکه حضرت عبدالبهاء در کانادا در منزل ایشان بودند -

دختر ۲ ساله شان موسوم به مری (MARY)

بی اندازه مورد عنایت آنحضرت قرار گرفت و مخصوصاً به پدر
و مادر سفارش و تاکیید فرمودند که در تربیت آن طفل سعی
بلیغ مبذول دارند و فرمودند که آینده این دختر بسیار
درخشان است و نام روحیه رانیز به او اعطا فرمودند .
و بالاخره همین دختر بلند اختر بود که در ۱۹۳۲ بموهبت
عظماى اقتران با حضرت شوقى افندى نائل آمد .
پدر ایشان علاوه بر اینکه جزایای امر محسوب بودند میندس
ساختمان مقام اعلی و مورد عنایات لانهایه حضرت عبدالبهاء
و حضرت ولی امرالله بودند .
در مورد کیفیت خاص روحانی و سادگی این ازدواج -
خوانندگان گرامی را بمطالعه کتاب "گوهر یکتا" بقلم حضرت
روحیه خانم از صفحه ۲۲۲ بیعداحاله مینمائیم ، این خانم

محترم پس از صعود همسر بزرگوارش نیز تمام اوقات گرانبهای خود را صرف سفرهای تبلیغی و خدمات روحانی نموده و بعنوان ایادی امرالله و امه البهائیه زندگی و حیاتش بهترین نمونه فداکاری و استقامت و بردباری و تحمل مصائب و شدائد در خدمت امر حضرت بهاء الله میباشد و هم اکنون که این سطور نگاشته میشود در اقصی نقاط عالم در بین طوائف و قبائلی که فاقد اغلب آثار مدنیّت و وسائل راحت و رفاهیت هستند با وجود کهولت سن و ضعف مزاج بسر میبرند و بتعلیم و تربیت آن آنان اشتغال دارند .

نتیجه این بحث آنکه حتی زندگی خصوصی حضرت شوقی ربّانی نیز وسیله ای برای پیشرفت و اعتلاء امر بهائی بوده و حتی در ازدواج آنحضرت نیز که صرفاً جنبه خصوصی و شخصی دارد هدف خدمت به امرالله بر هر نوع تعامّل دیگری تقدّم داشته است بطوریکه خود حضرت روحیه خانم مینویسد (۱)

" مادر من بود که بیبهای بودن شهرت گرفت و جز اولیین زائرین غرب در سال ۹۹ - ۱۸۹۸ در عکا بشرف زیارت حضرت مولی الوری فائز گردید . اولین بهائی قاره اروپا بود و صادر روحانی جامعه بهائیان فرانسه و کانادا بشمار میرفت ، یکی از حواریون خاص و ممتاز حضرت عبدالبهائیه و بینهایت مورد

لطف و عنایت وجود مبارک شد مخصوصاً* این را ذکر میکنم زیرا
ولی امرالله شهبی در سزمیزشاهما درم فرمودند* اگر ایشان
دختر شما نبودند من هرگز با او وصلت نمی‌کردم البته این
تنها دلیل نبود ولی اقوی دلیل این ازدواج بشمار
می‌رود*

۲- مرکز جهانی امریهائی

الف- شهر عکا سالهای متبادی قبل از تشکیل دولت اسرائیل
محل تبعید و منقای حضرت بهاءالله جلّ اسمه الاعلی
بنا به پیشنهاد دولت ایران و تصمیم دولت عثمانی قرار
گرفت بطوریکه (۱) * فرمان سلطان عبدالعزیز مورخ
پنجم ربیع الثانی ۱۲۸۵ هجری مطابق ۲۶ ژوئیه ۱۸۶۸ -
میلادی نه تنها حضرت بهاءالله و همراهان آن وجود اقدس
را به نفع ابد محکوم مینمود بلکه سجن شدید درباره آنان -
مقرر میداشت و به استناد اینکه این طائفه در طریق ضلالت سا
و دیگران را نیز از سبیل مستقیم منحرف مینمایند دستورات
شدید و ظلی از جانب سلطان روزی او صادر گردید که
نسبت بمسجونین کمال شدت و خشونت رفتار و آنان را از

معاشرت و اختلاط با اهالی مدینه منع اکید نمایند و بدین ترتیب جنگی را عقیده قاطع و مسلم بر آن بود که این زندان ابد و حبس موثّق بقنا و اضمحلال مظلومین منجر خواهد گردید و سراج امر الله بالقره خاموش خواهد شد شب اول ورود جمع از اکل و شرب ممنوع شدند . . . حتی آب طلبیدند احدی اجابت نمود . . . سه رغیف نان سیاه و شور برای هر یک از محبوسین تخصیص داده شده بود . . . در همان اواصل ورود جمع محبوسین باستثناء دو نفر گل مریض و علیل و ملازم بستر گردیدند و در آن هوای گرم و کثیف به تب و اسهال مبتلا شدند بطوریکه در اواصل ورود از بین مظلومین ۳ نفر بد رو در حیات گفتند . . .

منظور این است که مرکز امریهائی در عکا و حیفا بسبب نفی حضرت بهاء الله به این دیار بر حسب اراده و تصمیم دولتین ایران و عثمانی استقرار جست و بهائیان را در اخذ این تصمیم سهی نبوده است.

ب - با تمیید حضرت بهاء الله به عکا یکی از وعود الهیه که از قبل بشارت داده شده بود به تحقق پیوست زیرا شهر عکا که تحت حکومت ترك بصورت محبس و منفای قاتلین و سارقین و قطاع

طریق و مقصرین سیاسی بود و پیرامون آنرا در دیف خاکریز
و حصار محکم احاطه نموده و از لحاظ کم آبی و رطوبت و وجود
حشرات گزنده و کوجسه های تنگ و تاریک و بیج بیج و کثیف -
شهرت داشت طبق بشارت انبیا قبل، رب الجنود می بایست
در آن ظاهر شود . در کتابی بنام فضائل عکا و عسقلان که
مؤلف آن ابوالحسن علی بن محمد بن شجاع مالکی معسرف
پاین ای الهول است احادیث زیادی راجع به حسن طاقبت
و آتیه عکا ذکر شده که خوانندگان محترم را بمطالعه آن احاله
میدهیم . (۱) از اشعیا نبی و حضرت داود و عاموس نبی
و هوشع و حزقیال هر کدام روایاتی راجع به اراضی مقدسه
عکا و اورشلیم موجود است که در اینجا تحضراحتراز از تطویل
کلام از ذکر جزئیات آن روایات خودداری میشود .
از حضرت رسول اکرم صل الله علیه وآله وسلم نیز روایت شده
که فرموده اند " ان عکا مدینه بالشام قد اختصها الله برحمته
... ان فی السواحل مدینه معلقه تحت ساق العرش
... بیضا حسن بیاضها عند الله تعالی " (۲) و همچنین
در کتاب صحاح جوهری از حضرت رسول اکرم منقول است *
طوبی لمن زار عکا و طوبی لمن زار زائر عکا * و همچنین فرموده اند

(۱) کتاب قرن بدیع جلد ۲ ص ۲۳۴

(۲) کتاب محاضرات جلد ۱ ص ۲۱

" فقرأ عكا طوك الجنة وساداتها وان شهبأ في عكا افضل
من الف في غيرها " و حدیث دیگری نیز در کتاب فتوحات
مکه راجع به اصحاب قائم مذکور است که میفرماید " و قتلون
كلهم الا واحد منهم ينزل في مرج عكا في العاء بها النبيه
حضرت بهاء الله نیز در لوح سیاح (که در آورده نازل شده)
اشاره به سرزمین عکا فرموده و آن را وادی النبیل نامیده اند
که از لحاظ حروف تهجی کلمه نبیل با عکا برابر است و در
همان لوح نسبت به ترقیبات آن " امرالله میفرمایند (۱)

" لدی الورد رایات نور مارا استقبال نمود در آن حین ندای
روح مرتفع و باین بیان احلی ناطق - عنقریب جمع من
طی الارض در ظل این رایات مجتمع خواهند شد "
ناصر خسرو در سفرنامه خود راجع به مناقب شهر عکا و اینسکه
اطراف آن پراز قبور انبیا مانند شمعون، هود، شعیب
یوسف و غیره است مطالبی نوشته که طالبین را بمطالع
آن احاله میدهم .

بنا بر این ملاحظه میگردد که تشریف فرمائی حضرت بهاء الله

به مدینه " محصنه عکا بنا بمشیت الهی و بمنظور تحقق
بشارت انبیا" قبل بوده و اظهار عنایاتی نیز که درباره آن از قلم
اعلی و پیراعلی میثاق نازل گردیده است متکی بر همین اصل
و صرفاً دارای جنبه الهی و روحانی بوده و بهیچوجه ربطی
بحماکت هیچ سیاستی از جمع اهل بها" نداشته و ندارد .
آن اراضی برای بهائیان بسبب استقرار عرش حضرت بهاالله
و رمس حضرت عبدالبها" تقدیس یافته است و بهمین
سبب مرکز جهانی امر بهائی^{است} لابییت العدل اعظم الهی نیز
در این جوار برانوار مستقر شده است .
در ختام کلام گوئیم که دیانت مقدس بهائی بر طبق وعود الهیه
که بوسیله " انبیا" قبل بشارت داده شده برای ارشاد
جهانیان بصراط مستقیم توحید و ایجاد وحدت عالم انسانی
در بین بشر بظاهر شده و دارای تمام خصائص و مشخصات
روحانی " دیانت " بنحو اتم و اکمل است یعنی بنا بر مشیت
الهی و فیض روح القدس ایجاد شده و بنا بر همان مشیت
ارتقا یافته و عالمگیر خواهد شد و سیاست های ناقص و زور و
گذر و متغیّر و سست بنیان بشری نه در تأسیس و نه در تدوین
و نه در ترویج آن کوچکترین نفوذی نداشته و نخواهد داشت
و ذیل مقدس امر اعظم الهی همواره از اینگونه انتسابات

پاك و مبرا بوره و با اتكا به سياست الله و حقيقت شاخصه
يد الله فوق ايديهم به سيرا و ترقى خود ادا نه خواهد داد .

دکتر شرف زاده اشفندماه ۲۵۳۴